

پناهیان: در این دنیا، همه روابط خدا با بندگانش در «هدایت» خلاصه می‌شود/ در سازوکار هدایت، تنبیه و تشویق فوری غالباً وجود ندارد و خداوند روی عقل ما حساب می‌کند/ هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد/ شاهراه هدایت، دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است

پناهیان: هدایت یعنی اینکه خداوند غالباً فوری تنبیه یا تشویق نمی‌کند. هدایت یعنی خدا همه چیز را نشان نمی‌دهد، یعنی روی عقل ما حساب می‌کند. یعنی انسان را هل نمی‌دهد یا انسان را هول نمی‌کند. در هدایت، تبلیغات سحرکننده وجود ندارد که انسان‌ها را مست کند و به یک کاری وادار کند؛ مثل تبلیغاتی که دین شأن انسان است. در هدایت، فقط سخنان شیرین و جذاب بیان نمی‌شود که انسان‌ها جذب شوند، بلکه خداوند در قرآن سخنان پُر از دافعه هم دارد تا اگر انسان راه درست را انتخاب کرد، انتخاب او ارزش پیدا کند. هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد. ببینید خداوند چقدر با رعایت کرامت انسان، او را هدایت می‌کند.

حجت الاسلام پناهیان به مناسبت ماه مبارک رمضان ۳۰ شب در مصلى بزرگ امام خمینی با موضوع «**خدا چگونه انسان را هدایت می‌کند؟**» سخنرانی می‌کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **جلسه سوم** را می‌خوانید:

در این دنیا، همه روابط پروردگار با بندگانش در «هدایت» خلاصه می‌شود

- خداوند متعال بعد از اینکه ما را خلق می‌کند، دیگر کاری ندارد جز اینکه ما را هدایت کند. (أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى؛ طه/۵۰) خداوند اگر بخواهد کار دیگری برای ما انجام دهد - مثل دادن اجر و پاداش به بندگان - معمولاً این کارها در عالم آخرت انجام می‌گیرد. در این دنیا، همه روابط پروردگار با بندگانش را می‌توان در موضوع هدایت خلاصه کرد. به تعبیری می‌توان گفت: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند که تو را هدایت کنند. یعنی همه در خدمت هدایت انسان هستند. تمام مقدرات بشر در خدمت هدایت است.
- برخی از مفاهیم، فوق‌العاده زیبا و دلنشین هستند؛ به ویژه مفاهیمی که خداوند متعال در قرآن کریم، در حساس‌ترین لحظه‌ها استفاده می‌کند. یکی از آن مفاهیم، مفهوم هدایت است. تا وقتی که این سلسله مفاهیم دینی، برای ما دلنشین نشود و معنای آنها را درست متوجه نشویم، نمی‌توانیم با قرآن کریم، ارتباط برقرار کنیم. اگر یک ماه رمضان بتوانیم، فقط یکی از این مفاهیم را برای خودمان جا بیندازیم و بار روانی قشنگ آن را دریافت کنیم، که در مناجات‌هایمان، سر آن کلمه، با خدا حرف بزنیم، واقعاً ارزش دارد.

یکی دیگر از تفاوت‌های «تربیت» و «هدایت» مثل تفاوت «بنشینید» و «بفرمایید» است/هدایت یک کلمه بسیار محترمانه و مهربانانه است

- همان‌طور که بیان شد، در کلمه هدایت، یک لطف و مهربانی خاص وجود دارد. و در ادامه بحث هم خواهیم دید که در هدایت، یک نوع احترام به انسان‌ها وجود دارد. مثلاً کلمات «بنشینید» و «بفرمایید» معنای مشابهی دارند ولی معلوم است که در کلمه «بفرمایید» یک احترام خاصی نسبت به مخاطب، وجود دارد. همان تفاوتی که بین این دو کلمه وجود دارد، بین «تربیت» و «هدایت» هم وجود دارد. یعنی هدایت فوق‌العاده محترمانه‌تر از تربیت است. هدایت یعنی خداوند با همه عظمت و لطف و مهربانی‌اش، دارد به ما تعارف می‌زند و می‌گوید: «بفرمایید».
- هدایت یعنی اینکه خداوند می‌خواهد یک مطلب را با رعایت و با ظرافت فوق‌العاده زیاد به بندگانش بفرماید و بفهماند. به حدی که اگر بندگانش متوجه نشوند و در راه این متوجه نشدن، امام حسین (ع) را قطعه قطعه کردند، خداوند می‌فرماید: حسین

من! تو صبر کن و بگذار این ساز و کار هدایت من سر جای خودش بماند. یعنی بگذار من جهنم را نشان ندهم، و الا اگر جهنم را به بندگانم نشان بدهم، کسی تو را نخواهد گشت. من می‌خواهم با اشاره، با مردم سخن بگویم.

در ساز و کار هدایت، تنبیه و تشویق فوری غالباً وجود ندارد و خداوند روی عقل ما حساب می‌کند/ هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد/ ساز و کار هدایت علت مظلومیت همه اولیاء خدا

- هدایت یعنی اینکه خداوند غالباً فوری تنبیه یا تشویق نمی‌کند. هدایت یعنی خدا همه چیز را نشان نمی‌دهد، یعنی روی عقل ما حساب می‌کند. یعنی انسان را هل نمی‌دهد یا انسان را هول نمی‌کند (نمی‌ترساند). در هدایت، تبلیغات سحرکننده وجود ندارد که انسان‌ها را مست کند و به یک کاری وادار کند؛ مثل تبلیغاتی که دین شأن انسان است. در هدایت، فقط سخنان شیرین و جذاب بیان نمی‌شود که انسان‌ها جذب شوند، بلکه خداوند در قرآن سخنان پُر از دافعه هم دارد تا اگر انسان راه درست را انتخاب کرد، انتخاب او ارزش پیدا کند. هدایت یعنی خداوند جهنم و بهشت را نشان نمی‌دهد. ببینید خداوند چقدر با رعایت کرامت انسان، او را هدایت می‌کند.
- شما عظمت و لطف خدا را می‌توانید در ساز و کار هدایت الهی ببینید. درک همین ساز و کار زیبای هدایت است که انسان را به تواضع در مقابل پروردگار و رکوع و سجود وادار می‌کند. این ساز و کار هدایت است که علت مظلومیت همه اولیاء خداوند است. همه این‌ها از لوازم و عوارض ذاتی هدایت است.
- هدایت سرشار از احترام و عاطفه، سرشار از اشاره و سرشار از بلنذهمتی است، یعنی آن نقاط بسیار بلند و قله‌ها را به انسان نشان می‌دهد.

حضرت ابراهیم (ع) چگونه خدای خود را تبلیغ کرد؟

- برای اینکه کلمه هدایت یک مقدار برای شما دلنشین‌تر شود، ببینید در این آیات سوره شعرا، حضرت ابراهیم (ع) از کلمه هدایت، کجا و چگونه استفاده کرده است. در این آیات، حضرت ابراهیم (ع) به‌تأیبهایی که قومش می‌پرستیدند را نفی می‌کند و خدای خودش را برای آنها تعریف می‌کند. انصافاً این آیات در کل قرآن کریم در این سیاق، استثنایی است و یک زیبایی منحصر به فرد و خاصی دارد.
- می‌فرماید: «ابراهیم به آن کسی که در مقام پدرش بود و به قوم خودش گفت: شما چه می‌پرستید؟ آیا این بت‌هایی که می‌پرستید، صدای شما را می‌شنوند؟ آیا می‌توانند به درد شما برسند؟ آیا قدرتی دارند؟ آنها گفتند: نه، بالاخره پدران ما این‌گونه بودند و ما هم به دنبال راه آنها می‌رویم؛ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ... قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (شعراء/۷۰ تا ۷۴)
- حضرت ابراهیم (ع) به آنها فرمود: «اینها دشمن من هستند و دوست من فقط پروردگار عالم است؛ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِيَ إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۷۷) و بعد خداوند را به آنها معرفی می‌فرماید و کلمه هدایت را در معرفی پروردگار می‌آورد: «آن کسی که مرا خلق کرده است، پس هم او مرا هدایت می‌کند؛ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يُهْدِينِ» (شعراء/۷۸) می‌بینید که بعد از خلقت، از هدایت الهی سخن به میان آمده است و در آیات بعدی نیز توصیفات از الطاف خداوند آمده است که همگی در مراتب بعد از هدایت قرار دادند. می‌فرماید: «آن کسی که به من غذا می‌دهد و آب می‌نوشاند؛ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ؛ و وقتی مریض می‌شوم مرا شفا می‌دهد؛ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء/۷۹ و ۸۰)

- ببینید! حضرت ابراهیم(ع) چگونه خدای خودش را تبلیغ می کند! در واقع در این آیات، حضرت ابراهیم(ع) از محبت خدا نسبت به خودش سخن می گوید و به این صورت دارد خدا را تبلیغ می کند؛ این طوری باید خدا را تبلیغ کرد.

خداوند می فرماید: هدایت به عهده ماست/ هدایت بنده ام را بر خودم واجب می دانم

- در سوره لیل، یک آیه کوتاه و بسیار دلنشین وجود دارد که در میان آیات قرآن، نظیر عبارتی که در این آیه کریمه هست، پیدا نمی کنید. خداوند در این آیه می فرماید: «بر عهده ماست که هدایت کنیم؛ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (لیل/۱۲) یعنی بر ما واجب است که شما را هدایت کنیم، یعنی ما هدایت کردن را بر عهده خودمان می دانیم. بنده زیرک خدا می تواند از این آیه بهترین استفاده را به عمل بیاورد و بگوید: «خدا! تو گفته ای که من هدایت بنده ام را بر خودم واجب می دانم، پس مرا هدایت کن!» همان خدایی که به این سادگی ها زیر بار کاری نمی رود و کاری را به سادگی به عهده نمی گیرد، دارد هدایت را بر عهده خود می گیرد. خداوند حتی درباره شهدایی که جان خود را در راه او داده اند، می فرماید: «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ... وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفًا لَهُمْ» (محمد/۴-۶) و جلوتر از این نمی رود و چیز دیگری را در قبال شهدا بر عهده نمی گیرد ولی وقتی به هدایت می رسد، می فرماید: بر عهده ماست که هدایت کنیم.

از من هدایت بخواهید تا هدایتان کنم

- در روایات خیلی به ما توصیه شده است که هدایت را از خداوند تمنا کنیم. جبرئیل امین، از خداوند متعال نقل می فرماید: «ای بندگانه، همه شما گمراه هستید، مگر کسی که من او را هدایت کنم، پس از من هدایت را تقاضا کنید، تا من شما را هدایت کنم؛ يَا عِبَادِيَ كَلِّكُمْ صَلًّا إِلَّا مِنْ هَدْيِي، فَاسْأَلُونِي الْهُدَىٰ أَهْدِيكُمْ» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)/ص ۴۲)
- در روایات و ادعیه تأکید شده است که از خدا هدایت بخواهید و بعد هم از خدا تقاضا کنید که این هدایتش را ادامه دهد. بگوید: «خدا! مرا هدایت کن و دیگر دست از هدایت من بر ندار و مرا در مسیر هدایت خودت نگاهدار؛ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي الْهُدَىٰ وَ بُشِّنِي عَلَيْهِ» (کمال الدین/۱/۲۶۷) این دعایی است که پیامبر اکرم(ص) به یکی از اصحابش یاد داده اند.
- پیامبر گرامی اسلام(ع) می فرماید: «هم هدایت را از خدا مسألت کنید و هم هدایت در مسیر را از خدا مسألت کنید؛ سَأَلُوا اللَّهَ الْهُدَىٰ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مَعَ الْهُدَىٰ هِدَايَةَ الطَّرِيقِ» (جعفریات/۲۲۲)

یک لحظه تمنا می تواند کل زندگی را تحت تأثیر قرار دهد/ چه شد که علامه مجلسی(ره) آن همه توفیق پیدا کرد؟

- عزیزترین بخش وجود انسان که خداوند متعال آفریده است، به تعبیری، همان قلب انسان(مرکز تمایلات انسان) است و خداوند متعال به تمایلات خوب انسان ها، عنایت خاصی دارد. تمایلات خوبتان را واقعاً تحویل بگیرید و قدرش را بدانید.
- اگر یک لحظه دلت یک چیز خوب را خواست و به آن تمایل پیدا کرد و بعد دیدی که کل زندگی ات تحت تأثیر آن یک لحظه قرار گرفته، اصلاً تعجب نکن. یکی از فلسفه ها یا آثار مهم محافل معنوی که پیامبر(ص) درباره اش فرمود: «بروید در باغ های بهشت به بهره برداری بپردازید؛ ارْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ قَالَ مَجَالِسُ الذِّكْرِ» (عده الداعی/۲۵۳) این است که انسان در این جلسات در فضایی قرار می گیرد، که ممکن است در یک لحظه، یک دفعه ای دلش عمیقاً برای یک آرزوی خوب، پُر بکشد. یا در یک لحظه از یک وضعیت بد در دوزخ یا عقابت به خیر شدن، دلش بترسد، و خداوند هزاران ساعت گناه ما را با همین یک لحظه خوب، ندیده بگیرد و دعا یا آرزو و تمنای قلبی او را مستجاب کند.
- از یک عارفی پرسیدند که چه شد علامه مجلسی(ره) آن همه توفیق پیدا کرد؟ او گفت: این به خاطر دعای پدر علامه مجلسی است که یک شب در قنوت نماز شب داشت دعا می کرد، و همان موقع علامه مجلسی در گهواره بود و صدایش بلند شد، پدر

- علامه هم به یاد پچاهش افتاد و دعا کرد: «خدا! این فرزند مرا بپذیر که خرج خدمت در راه تو شود» و این دعا مورد قبول درگاه خدا قرار گرفت؛ به خاطر همین یک لحظه زیبای پدرش!

عرفای بزرگ با «خدا! مرا هدایت کن» به مقامهای بالا رسیده اند

- یک بار مقام معظم رهبری به یک کسی می گفتند: «مگر می شود ما این همه دعا کنیم و بگوییم: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» و خدا نگاه نکند؟! اگر خداوند به این دعای ما توجهی نکند، به این دلیل است که ما بدون توجه دعا می کنیم و دعای بی توجه هم اثر ندارد.» اگر ما اصرار داریم که زیبایی هدایت را درک کنیم به خاطر این است که بتوانیم این دعا را (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) را با توجه بگوییم تا مستجاب شود. یعنی بفهمیم که چه تمنای بزرگی از خدا داریم و دل مان عمیقاً این هدایت را از خدا بخواهد و تمنا کند.
- مثلاً بدانید، اینکه شما توفیق بیابید که به خیمه امام زمان(ع) راه پیدا کنید، جزئی از همین دعای «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» است. یا اینکه فرمان های خاص حضرت را به گوش شما برسانند و هدایت های خاص خداوند نصیب شما شود هم جزئی از همین دعاست. مهم این است که دل شما بخواهد و عمیقاً از خدا بخواهید که شما را هدایت کند، بعد خواهید دید که خداوند برای هدایت شما چه کارهایی خواهد کرد. مثل روز روشن، همه تاریکی ها را برطرف خواهد کرد.
- انسان های بزرگ مثل مرحوم قاضی(ره)، آقای بهجت(ره)، حضرت امام(ره) و عرفای بزرگ که هیچ کدام اهل صوفی بازی نبودند، بلکه متشرع بودند و به معنای حقیقی کلمه عارف بودند ولی عرفان بازی نمی کردند، چه کار کرده اند که به اینجا رسیدند؟ معلوم است؛ حتماً صمیمانه از خدا تقاضا کرده اند که «خدا! مرا هدایت کن» و می دانستند که هدایت چه لطف و محبت بزرگی از جانب پروردگار عالم است.

شاهراه هدایت، دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است/ نشستن در جلسه روضه امام حسین(ع) یعنی تمنای هدایت، یعنی من هم می خواهم...

- دعا هر چه باتوجه تر باشد، مستجاب تر است. لذا وقتی شما این دعا را بیان می کنید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بلافاصله از شما می پرسند: شما می دانید صراط مستقیم چیست که دارید تقاضا می کنید؟ کجا با صراط مستقیم آشنا شده اید؟ و شما باید این گونه پاسخ دهید: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» (فاتحه/۷) من کسانی که به آنها نعمت داده ای را دیده ام که چقدر خوب و دوست داشتنی و نازنین هستند، پس مرا هم به راه همان ها هدایت کن. به شما می گویند: شما از چه طریقی با صراط مستقیم آشنا شده ای که الان می خواهی به آن سمت هدایت شوی؟ و شما می گویی: از طریق کسانی که «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». یعنی شاهراه هدایت دیدن «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است. آنها دست دل ما را می گیرند و دل ما را می برند. نشستن در جلسه روضه امام حسین(ع) یعنی تمنای هدایت، یعنی خدا! دل من هم این هدایت را می خواهد و چقدر قسی القلب است کسی که اباعبدالله الحسین(ع) را ببیند و حضرت، دل او را نبرد.
- خود امام حسین(ع) که در اوج بود، وقتی یاران شهیدش را می دید، می گفت: خدایا من هم این شهادت را می خواهم. وقتی خبر شهادت مسلم و هانی را به امام حسین(ع) رساندند، حضرت فرمود: «دیگر خبری در زندگی بعد از اینها نیست؛ أَنَا هَبْرٌ قَتَلَ مُسْلِمٌ بَنَ عَقِيلٍ وَ هَانِيٌّ بَنَ عُرْوَةَ... فَقَالَ الْحُسَيْنُ لَأَ خَيْرَ فِي الْعَيْشِ بَعْدَ هَوْلَاءَ» (اعلام الوری/۲۳۱) یعنی خدا! من هم شهادت را می خواهم...

